

کالبد شکافی یک دلقک سیاسی



(مقدمه)

"خدیدو مصر پرسید در این سفر چه شنیدی؟ عرضکرد قربانت شوم از قراری که میگفتند پطرس شاه فرنگی بسرکردگی سامخان لشگر بروم فرستاد- ملکشاه رومی را کشته و شهر روم را مسخر کرده است. خدیو رو بوزیر کرده و گفت خیلی خوب شد که خواجه نعمان این خبر را بما رسانید در صورتیکه فرنگیان به روم رفته و مملکت بآن بزرگی را مسخره کردند البته به شهر مصر خواهند آمد ما هم خوب است لشگر آماده کنیم و دست و پای بسته بگیر فرنگیان نیفتیم."

فخرالدوله نقیب الممالک (امیرارسلان نامدار جلد اول)

فاجعه ای در شرف تکوین است. فصل نهایی جنگ - جنگی بر علیه مردم ایران - که حاصلش کشتار ملیونی ایرانیان است و خرابی و ویرانی که حتی تصورش دهشناک می باشد. جنگی که سناریو نظامی اش می رود که کامل کننده تحریم همه جانبه آن باشد.

در این میان دو صف آرایی نهایی در مقابل هم قرار گرفته اند. در یک سو نیروهای انسان گرا و خواهان صلح برای بشریت و در آن سو عاشقان سینه چاک جنگ. از نئوکانهای وطنی و غیر وطنی گرفته تا واپس گرایان حاکمیت جمهوری اسلامی.

هر دو از جنگ بهره می برند و جنگ برایشان نعمت است. جنگ از یک سو به دوام حاکمیت این تاریک اندیشان هزاروچهارصد ساله کمک میکند. آنها همچون پیشینیان شان هر جنبش حق طلبانه و آزادیخواهانه را به بهانه جنگ سرکوب خواهند کرد و از سوی دیگر به سوداگران مرگ و جلادان و دژخیمان غیر ایرانی کمک می کند که در ادامه کشتارها و نابودی کشورهای منطقه دامنه آنرا به کوی و برزن وطن گسترده کنند و سود های فراوان به توبره کشند. بازنده این جنگ مردم ایران و آمریکا و در نهایت بشریت خواهد بود.

نئوکانهای وطنی بمثابه ستون پنجم همانگونه که در کنار اربابان آدمخورشان کشتارهای مردم عراق و افغانستان را جشن گرفتند و به پایکوبی پرداختند برای مردم ایران هم اگر عملشان بیش نباشد کمتر نخواهد بود. جنگ برایشان نعمت است به همان گونه که برای تاریک اندیشی چون روح الله خمینی در ایران و برای نژاد پرستانی چون دانیل پایپ در آمریکا نیز نعمت است.

آخرین آمار رسمی همه پرسی از ایرانیان و ایرانی تباران آمریکا نمایشگر حمایت چهار در صدی این جامعه از حمله نظامی است. مخالفت فعال ایرانیان و ایرانی تباران آمریکا با مسئله جنگ چنان استوار و محکم بوده است که نئوکانهای وطنی این ملیجکان خوش رقص و وطن فروش را بر آن داشته که زبان در کام کشند و ضمن مخالفت ظاهری با جنگ به بی اعتبار ساختن و لجن پراکنی به فعالین ضد جنگ - همگی را مزدور رژیم جمهوری اسلامی دانسته و به نشر افکار عقب مانده ترین جناح های راست آمریکا پردازند.

از میان این جنگ طلبان وطن فروش نئوکانه‌های وطنی عنصری در شهر دالاس کشف شده است با نام صفر قره باغی که خودش را به لقب "آرش ایراندوست" مزین ساخته است. این عنصر ضد بشر که نام ننگین "افشین" بیشتر براننده اش می باشد در خوش خدمتی به همپالگی هایش از هیچ عملی روگردان نبوده است. از ویژگیهای او ریاکاری و دروغ پراکنی است و یارانش از هم مسلکان و هم تباران نژاد پرستان آمریکا و اسرائیل. اگر سخنی در باب صلح و انسانیت بر زبان آری فریاد برآرد و فغان سر دهد و اتهام و دشنام پیشه کند. ملیجکی است از تبار مشتاقان جنگ.

امروز پس از یکسال و اندی که شاید منطق و سکوت بر تهمت های ناروا غالب آید و جو حاکم بر شهر دالاس آرام - بر آن شدم که حملات و تهمتها و تهدیدهای اخیرش را جوابگو باشم. چرا که در میانه نه تنها آرامتر نگشته است بلکه هارتر شده و بر افتراها و تهدیدها و عربده کشی هایش بمانند "پولادزره دیو" در "قلعه سنگ باران" افزوده است.

این پیش درآمد را می توان مقدمه ای دانست برای آشکار شدن چهره این فرد نژادپرست و ضد صلح و همچنین نیم نگاهی به هم پالگی های واپسگرایش چه از نوع درون مرزی همچون هواداران جمهوری اسلامی و چه از نوع برون مرزی همچون نئوکانه‌های جنگ طلب.

مرتجعین جنگ طلب در داخل و خارج دو روی یک سکه اند و بقای هر کدام در گرو بقای دیگریست. نوک حمله را باید متوجه هر دو کرد. باید بر هر دو پا ایستاد و چشم بستن بر جنایت هر کدام کار را در نیمه راه می سازد.

به امید آزادی و صلح و عدالت اجتماعی برای کل بشریت

بیژن آبادی

18 April 2012

<http://Bijan.Golshan.com>